

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۰/۱۴

موضوع: پاسخ به شبهاتی از اهل سنت پیرامون حضرت فاطمه (سلام الله علیها) - پاسخ به شبهات عابدینی اصفهانی پیرامون ولایت امیر المومنین (سلام الله علیه)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

من قبل از ورود به بحث و ادامه بحثی که جلسه گذشته داشتیم، چند نکته را خدمت عزیزان تقدیم می‌کنم.

اولاً ایام فاطمیه نزدیک است. تعدادی از بزرگواران و عزیزان در ایام فاطمیه سفر تبلیغی دارند و معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم و همچنین ما در مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر تمهیداتی را به عنایت حضرت ولی عصر انجام دادیم. ما چند روز هم همایش داشتیم که قریب به سیصد نفر از فضلا از شهرستان‌های مختلف و قم در آن همایش حضور داشتند. ان شاء الله به حول و قوه الهی این ایام عزیزان برای سفر تبلیغی فاطمیه که اساس عقیده شیعه هست و فاطمیه ملاک حقانیت شیعه و اهل بیت (علیهم السلام) هست، با دست پر برمی‌گردند. با توجه به شبهات گسترده‌ای که در فضای مجازی و رسانه‌ها توسط وهابیت مطرح می‌شود با این رویکرد هم نکاتی را عرض می‌کنم.

عمده آنچه که مهم است در فضائل حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) به ویژه فضائل بی نظیر حضرت است. روایاتی که در منابع شیعه و سنی آمده، تعبیری که در حق هیچیک از معصومین حتی نسبت به امیرالمؤمنین این تعبیر نیامده است.

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص ١٣٦١، ح ٣٥١٠

در کتب «صحيح بخاری» و «صحيح مسلم» حدود ده - دوازده مورد این روایت با عبارتهای مختلف آمده است. به ویژه در جلد چهارم کتاب «صحيح بخاری» صفحه ٢١٠ حدیث ٣٧١٤ و «صحيح مسلم» جلد ٧ صفحه ١٤١ حدیث ٦٢٠٢ مواردی است که این تعبیر آمده است.

علت اینکه این تعبیر در حق حضرت صدیقه طاهره بیان شده به خاطر رابطه پدر و فرزندی نیست. طبق عباراتی که شیعه و سنی دارند رسول گرامی اسلام دارای هشت فرزند بوده است.

حضرت دارای چهار پسر و چهار دختر بودند؛ «قاسم» و «طاهر» و «طیب» و «ابراهیم» و «زینب» و «رقیه» و «کلثوم» و حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها).

آنچه دقت عمیق به این روایات به ما می فهماند، این است که رسول گرامی اسلام می خواهد برای بعد از خود الگو و ملاکی برای تشخیص راه حق از باطل را ترسیم کند.

در زمان رسول گرامی اسلام سخن حضرت فصل الخطاب است، اما بعد از نبی مکرم اسلام صحابه علی الأقل دو دسته می شوند.

یک دسته جبهه‌ای که حضرت امیرالمؤمنین در رأس آن قرار دارد و دسته دوم جبهه‌ای که خلیفه اول و دوم و «عبدالرحمن بن عوف» و «طلحه» و دیگران هستند.

شاید تشخیص حق از باطل برای افراد بسیاری دشوار بود. بنابراین حضرت صدیقه طاهره الگو و ملاک حق از باطل با تعبیر «بَضْعَةٌ مِّنِّي» معرفی می‌شود، نه «بَضْعَةٌ مِّنْ بَدَنِي»! پاره وجود من است. به ویژه «فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي».

اگر ما بخواهیم ذیل این تعبیر ده‌ها ساعت بحث کنیم، جا دارد. غضب حضرت صدیقه طاهره غضب حضرت رسول الله است. ایذاء حضرت صدیقه طاهره ایذاء رسول الله است. همانطور که «مسلم» دارد:

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِّنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ١٩٠٣، ح ٢٤٤٩

نکته جالب اینجاست که «صحیح بخاری» در جای دیگر جلد سوم صفحه ۱۱۲۶ حدیث ۲۹۲۶ می‌گوید:

«فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُؤْفَيْتَ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن کثیر، الإمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص

١١٢٦، ح ٢٩٢٦

آیا از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان شود؟! حضرت صدیقه طاهره غضبناک می‌شود، غضبی که تا آخرین لحظات حیاتش ادامه می‌هد.

غضب حضرت فاطمه زهرا غضب پیغمبر اکرم است و غضب حضرت غضب خداست. ایذاء حضرت فاطمه زهرا ایذا النبی است و ایذاء النبی ایذاء الله است.

**(إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا)**

آن‌ها که خدا و پیامبرش را ایذاء می‌کنند خداوند آن‌ها را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور می‌سازد، و برای آنان عذاب خوار کننده‌ای آماده کرده است.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۵۷

یا:

**(أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ)**

آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با جمعیتی که مورد خشم خدا بود ریختند؟

سوره مجادله (۵۸): آیه ۱۴

قضیه بسیار روشن و واضح است. شما شرح حال مستبصرینی که در صد سال اخیر به مذهب شیعه آمده‌اند را ملاحظه کنید.

مرکز ابحات عقائديه سیزده یا چهارده جلد کتاب با عنوان «موسوعة من حياة المستبصرين» در رابطه با شرح حال مستبصرين مخصوصاً یکی دو قرن اخیر نوشته است.

بخش عظیمی از اندیشمندان، اساتید دانشگاه و علمای بزرگ اهل سنت به خاطر همین قضیه حضرت صدیقه طاهره حق برایشان روشن شده و به مذهب اهل بیت عصمت و طهارت کشیده شدند. ان شاءالله عزیزان این قضیه در نظر مبارکشان باشد.

مسئله دیگر شبهاتی است که در این زمینه ایجاد می‌کنند. بنی امیه از روز اول از کسانی بودند که بنیانگذار شبهه علیه ولایت بودند و در هر فرصتی هم شبهه تولید کردند و در اختیار عموم قرار دادند. به ویژه روایت:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِثِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»

قضیه را برگردانده است. همانطور که «هشام بن عبدالملک» می‌گفت ماجرای اینکه پیغمبر اکرم فرمود:

«أَمَّا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِثِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص

١٣٥٩، ح ٣٥٠٣

درست است، اما راوی اشتباه کرده است. پیغمبر اکرم فرمود:

«أما ترضى أن تكون منى بمنزلة قارون من موسى»

در این رابطه هم علی بن ابی طالب رفته بود تا از دختر «ابوجهل» خواستگاری کند! پیغمبر اکرم عصبانی شده و بالای منبر رفتند و فرمودند: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِثِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»!

دروغ گفتن که هزینه ندارد. بهتان زدن هم سرمایه نمی‌خواهد. یک دسته افراد همانند «ابوهزیره» و دیگران به دنبال پول هستند. آن‌ها دویست هزار درهم خرج می‌کنند تا حدیثی که در حق قاتل امیرالمؤمنین است، درباره خود آن حضرت بگویند. همچنین آیه مبیته را درباره «عبدالرحمن بن عوف» نقل می‌کنند. دویست هزار درهم هم کم است! چهارصد هزار درهم می‌گیرند و حدیث جعل می‌کنند.

نود درصد کسانی که در کارخانه حدیث سازی معاویه بودند، بدون افسار به دنبال این روایات افتاده بودند. همین اندازه که این افراد را تشویق می‌کردند، برای جعل حدیث سینه پاره می‌کردند.

قضایایی در کتب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» و جاهای دیگر نقل شده که از عنایات و معجزات اهل بیت (علیهم السلام) است. ماجرای خواستگاری در تمام منابع از فردی به نام «مسور بن مخرمه» نقل کردند.

«ابن حجر عسقلانی» در کتاب «الإصابة»، «ابن اثیر» در کتاب «أسد الغابة» و «ابن عبدالبر» در کتاب «الإستیعاب» نوشته‌اند که «مسور بن مخرمه» سال دوم هجری به دنیا آمده است. همچنین ماجرای خواستگاری هم در سال دوم هجرت اتفاق افتاده است. خلاصه کلام اینکه وقتی این قضیه اتفاق افتاده بود، این راوی یا در صلب پدرش بود، یا در رحم مادرش بود و یا در دامن مادرش شیر می‌خورد.

این موارد نشانگر این است که دروغگو کم حافظه است! کرامت اهل بیت (علیهم السلام) است که این افراد با دست خودشان، خود را رسوا کنند.

### (يَخْرُبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ)

خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند.

سوره حشر (۵۹): آیه ۲

جالب این است که او در زمان رحلت پیغمبر اکرم هشت سال بیشتر نداشت. طبق عبارت کتاب «صحیح بخاری» یک سال یا دو سال قبل از رحلت پیغمبر اکرم مسجدی درست می‌کردند که «مسور» برای آن مسجد سنگ می‌آورد. او به کمر خود لنگی بسته بود، لنگ او باز شد و لخت مادرزاد کار می‌کرد. پیغمبر اکرم به او دستور داد که به خود لنگی ببند تا این چنین خود را برای مردم آشکار نکنی!

مشاهده کنید این شخص به قدری کم عقل بود که جلوی پیغمبر اکرم و صحابه لخت مادرزاد راه می‌رفت. این شخص ناقل قضیه‌ای است که بخواید حدیث «بَضْعَةٌ مِئِي» را زیر سؤال ببرد و بخواید روایتی که فضیلت امیرالمؤمنین و حضرت زهراست را به ضد فضیلت تبدیل کند.

این موارد یک سری مسائلی است که عزیزان باید به آن دقت کنند.

بنده در جلسه بعد که دو هفته دیگر مصادف با شب شهادت حضرت صدیقه طاهره است، در این زمینه مفصل مطالبی را بیان خواهم کرد.

بنده معتقدم اگر بتوانیم قضیه فاطمیه را خوب جا بیندازیم، هم برای بچه شیعه‌ها مفید است تا اعتقاداتشان نسبت به مبانی اعتقادی شیعه قوی است قوی‌تر شود و کسانی که مبانی اعتقادی‌شان محکم است محکم‌تر شود و از هرگونه لغزش جلوگیری شود. هم باید اتمام حجتی برای مخالفین باشد و راهگشای دسته‌ای از جوانان تحصیل کرده و روشنفکر اهل سنت که به دنبال حقیقت هستند. ما نمی‌خواهیم پروژه شیعه سازی راه بیندازیم، بلکه می‌خواهیم اتمام حجت شود.

یکی از مراجع عظام تقلید که خدمتشان بودیم، می‌گفتند: اگر شما این مطالب را بیان نکنید، جوانان اهل سنت فردای قیامت جلوی شما را می‌گیرند و شکایت می‌کنند که چرا حقیقت را برای ما روشن نکردید. اگر حقیقت روشن می‌شد، ما به طرف حقیقت می‌آمدیم.

بحمدالله بنده در این زمینه تجربه‌های زیادی دارم. در داخل کشور با بحث‌های دست و پا شکسته‌ای که داشتیم بیش از پنجاه تن از علمای اهل سنت به مذهب اهل بیت آمدند و مبلغ مذهب شیعه در سطح کشور هستند.

نزدیک به هشتاد تن از علما از استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان گرفته تا کردستان و ارومیه را می‌شناسیم که تحت پوشش یکی از مراکز پذیرش مستبصرین در قم به نام «مؤسسه ابوتراب» هستند.

همچنین بیش از صد و پنجاه نفر مهندس و دکتر و استاد دانشگاه توسط این مرکز شناسایی شدند. زمانی که انسان با این افراد به نرمی صحبت می‌کند، لذت می‌برد. امام هشتم (علیه السلام) می‌فرماید:

## «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عِلْمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

۱، ص ۳۰۷، ح ۶۹

واقعاً کسانی که خمیره بد و فطرت ناپاکی ندارند و عناد و لجاجت ندارند، بسیار سریع حق را از انسان می‌گیرند. این افراد بعضاً به دنبال تحقیق و بررسی می‌روند و مسئله برایشان روشن می‌شود. ان شاءالله بنده در دو هفته دیگر که خدمت عزیزان هستم در مورد شهادت حضرت صدیقه طاهره مطالبی بیان خواهم کرد. بعضی از معاندین از شهادت حضرت فاطمه زهرا به "افسانه" تعبیر کردند. ان شاءالله بنده در این زمینه مفصل صحبت خواهم کرد. از میان علمای بزرگ اهل سنت کسانی هستند همانند «جوینی» که موضوع شهادت را در کتاب «فرائد السمطین» جلد دوم صفحه ۳۴ مطرح می‌کند. «مرحوم کلینی (رضوان الله تعالی علیه)» در کتاب «کافی» جلد اول صفحه ۴۵۸ در مورد شهادت حضرت فاطمه زهرا می‌نویسد:

## «إِنَّ فَاطِمَةَ صَدِيقَةَ شَهِيدَةٍ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۴۵۸، ح ۲

بحث شهادت چیزی نیست که سران وهابیت بتوانند آن را انکار کنند. ائمه جماعات اهل سنت بعضی از شهرها یا بعضی از شبکه‌های معاند وهابی ادعا می‌کنند "شهادت" را از سال ۱۳۷۸ در تقویم‌ها اضافه کردند و سابقاً آن را "وفات" می‌نوشتند. این قضیه، قضیه امروز و دیروز نیست.

این مطالب، بحث‌هایی بود که بنده خواستم خدمت عزیزان عرض کنم.



بنده در جلسه گذشته در رابطه با بعضی از شبهاتی که در محور امامت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و ادله اثبات کننده امامت الهی و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین مطالبی خدمت عزیزان مطرح کردم.

اشاره شد یکی از آقایانی که در اصفهان استاد حوزه علمیه است و درس خارج دارد و مدعی است از بعضی از آقایان گواهی اجتهاد دارد، یک سری بحث‌هایی را مطرح کرده و موضوع امامت را زیر سؤال برده است.

جالب است که ایشان در سایت خود می‌گویند: "من از همه علما و اساتید درخواست می‌کنم که برای مناظره بیایند، اما هیچکس حاضر نشد با من مناظره کند!"

بنده جلسه گذشته بعضی از تعابیری که ایشان در کتاب یا جزوه «تفسیر جدید از سه آیه» مربوط به ولایت حضرت امیرالمؤمنین داشت، مطالبی را بیان کردم. ایشان در رابطه با آیه اکمال می‌نویسد: "از راه روایات به جایی نمی‌رسیم و نمی‌توانیم زمان نزول آیه را پیدا کنیم"، "اصلاً این آیه در روز عرفه نازل شده و اصلاً ربطی به حدیث غدیر و ولایت امیرالمؤمنین ندارد"؛ ایشان بحث‌های دیگری در این زمینه بیان کرده است.

ما که دو هفته قبل بحث کردیم، ایشان فردا یا پس فردای آن روز این کتاب را از سایت خود حذف کرد! بعضی افراد به ایشان زنگ زدند و اعتراض کردند که چرا این کتاب را از سایت خود برداشتید؟ ایشان گفتند: این کتاب علیه من مسئله درست می‌کند!

ما به این شخص اعلام می‌کنیم که اگر به گفته‌های خود عقیده و ایمان دارید، مرد و مردانه به میدان بیایید. حداقل وهابیت اگر مخالف امیرالمؤمنین هستند، مرد و مردانه اعلام می‌کنند که مخالف هستند.

همچنین اهل سنت که ادعا می‌کنند امیرالمؤمنین را قبول ندارند، مرد و مردانه ادعا می‌کنند که حضرت را قبول ندارند. این چنین بازی کردن با اعتقادات مردم و طلاب زیننده یک روحانی که لباس سربازی حضرت ولی عصر را به تن کرده - که به حق آن لباس را هم دزدیده - نیست!

البته بنده غالب بحثها را مفصل مطالعه کردم و آنها را درآوردم و حدود چهل مورد از آن شبهات که در رابطه با امامت امیرالمؤمنین هست را خدمت بعضی از بزرگواران و مراجع عظام تقلید و جناب حاج آقای «اعرافی» بردیم و گفتیم: بفرمایید!

بنده به ایشان گفتم: ما از یک طرف با وهابی مبارزه می‌کنیم و شبهات اهل سنت را پاسخ می‌دهیم، اما از یک طرف می‌بینیم که شیاطین در درون حوزه‌های علمیه ما این چنین افراد منحرفی را تربیت می‌کنند و خود را به عنوان روشنفکر و مفسر جدید معرفی می‌کنند.

او ادعا می‌کند که تفسیر جدید از آیات مربوط به ولایت امیرالمؤمنین از جمله آیات ۵۵ و ۶۷ و ۳ سوره مبارکه مائده بیان کرده است. برای بنده جالب بود که این شخص ادعا می‌کند: این آیه در روز عرفه نازل شده است، نه روز عید غدیر!

این حرفی است که اهل سنت هزار و چهارصد سال است که مطرح کرده‌اند و حرف جدیدی نیست. این حرف، همان حرفی است که خلیفه دوم برای اینکه حقانیت امیرالمؤمنین را زیر سؤال ببرد، در سال سیزدهم یا چهاردهم هجرت مطرح کرده است. دوستان عزیز برای بنده بسیار عجیب بود که بعد از هزار و چهارصد سال یک روحانی حرف دشمنان را بزند.

در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است:

«عن عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْيَهُودِ قَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ آيَةٌ فِي كِتَابِكُمْ تَقْرؤونَهَا لَوْ عَلَيْنَا مَعْشَرَ

الْيَهُودِ نَزَلَتْ لَاتَّخَذْنَا ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدًا»

از عمر بن خطاب نقل شده که مرد از یهود نزد او آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین! در قرآن آیه‌ای است که

اگر در تورات بود، ما آن روز را برای یهود عید می‌گرفتیم.

«قال أي آية»

عمر بن خطاب پرسید: کدام آیه است؟

«قال (اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً)»

آیا مهم‌تر از این آیه‌ای هست که خداوند متعال بفرماید: امروز دین شما را کامل کردم، نعمت را برای شما تمام کردم و از دین شما راضی شدم. این روز باید روز عیدی باشد.

«قال عُمرُ قد عَرَفْنَا ذَلكَ اليَوْمَ وَالْمَكَانَ الَّذِي نَزَلَتْ فِيهِ عَلَى النَّبِيِّ»

عمر بن خطاب گفت: ما می‌دانیم که این آیه در چه روز و مکانی بر پیغمبر اکرم نازل شده است.

«وهو قَائِمٌ بِعَرَفَةَ يَوْمَ جُمُعَةٍ!»

پیغمبر اکرم در روز جمعه مصادف با عرفه ایستاده بودند که این آیه نازل شد!

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ٢٥،

ح ٤٥

طبق این روایت جبرئیل بر پیغمبر اکرم نازل شد، به طوری که حضرت دیگر فرصت نشستن هم پیدا نکردند!

جبرئیل آیه را بر پیغمبر اکرم خواند و دو مرتبه به آسمان رفت.

عزیزان دومرتبه حرف این آقا را ملاحظه کنند! او می‌نویسد: آیه اکمال در روز عرفه نازل شده است. تفسیر جدید

از سه آیه صفحه ٩ سطر چهارم است.

من نمی‌دانم این افراد به دنبال چه هستند؟ اگر واقعاً تغییر عقیده دادند، اعلام کنند که از مذهب شیعه خیر ندیده‌اند و به همین خاطر به اهل سنت پیوسته‌اند. چنین اعلام کنید تا مردم هم موضع شما را بدانند و لباس روحانیت را از تن خود درآورید و (مانند وهابی‌ها) چفیه قرمز بر سر کنید تا مردم بدانند که شما چه هستید. شما نباید به نام شیعه عقاید شیعه را متزلزل کنید، زیرا نه زبینه حوزه علمیه است و نه روحانی که عمری در کنار سفره حضرت ولی عصر ارتزاق کرده است. انسان نباید نمک خورده اینطور نمکدان بشکند، آن هم به عنوان یک شیعه روشنفکر!

در سال سیزدهم یا چهاردهم هجرت این روایت از زبان خلیفه دوم مطرح شده است. ما بارها به این روایت پاسخ دادیم، اما به قول معروف دروغگو کم حافظه است.

در «صحیح سنن نسائی» که «ناصرالدین ألبانی» آن را تصحیح کرده است، جلد هفتم صفحه ۷۴ حدیث ۳۰۰۲ وارد شده است:

«قال يهودى لعمر لو علينا نزلت هذه الآية لاتخذناه عيداً (اليوم أكملت لكم دينكم)»

مرد یهودی به عمر بن خطاب گفت: اگر آیه (اليوم أكملت لكم دينكم) بر ما نازل شده بود، ما آن روز را عید می‌گرفتیم.

«قال عمر قد علمت اليوم الذى أنزلت فيه»

عمر بن خطاب گفت: بله من هم روز آن را می‌دانم و هم شب آن را می‌دانم.

«والليلة آلتى أنزلت ليلة الجمعة»

و شبی که در آن این آیه نازل شد، شب جمعه بود.

در روایت قبل گفت که روز جمعه بود که پیغمبر اکرم در عرفه ایستاده بودند، اما در این روایت شب جمعه وارد شده است! مشخص کنید که این آیه روز جمعه نازل شد یا شب جمعه نازل شد؟!

«ونحن مع رسول الله صلى الله عليه وسلم بعرفات»

الكتاب: صحيح وضعيف سنن النسائي، المؤلف: محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، مصدر

الكتاب: برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن

والسنة بالإسكندرية، ج ٧، ص ٧٤، ح ٣٠٠٢

جالب است که در کتاب «صحيح مسلم» از قول خليفه دوم وارد شده است:

«فقال عمرُ فَقَدْ عَلِمْتُ الْيَوْمَ الَّذِي أُنزِلَتْ فِيهِ وَالسَّاعَةَ وَأَيَّنَ رَسُولَ اللَّهِ حِينَ نَزَلَتْ»

عمر بن خطاب گفت: من می دانم که روز و ساعت و مکانی که این آیه در آن نازل شد چه بود.

«نَزَلَتْ لَيْلَةَ جَمْعٍ وَنَحْنُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بِعَرَفَاتٍ»

این آیه در شب عید قربان نازل شد که ما با رسول الله در عرفات بودیم.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ٢٣١٣، ح ٣٠١٧

عرب شب عید قربان را «لَيْلَةَ جَمْعٍ» یا «لَيْلَةَ الْمَزْدَلِفَةِ» می گویند. «سیوطی» می نویسد:

«لَيْلَةَ جَمْعٍ: أَي: مَزْدَلِفَةَ»

الديباج على مسلم، نویسنده: جلال الدين السيوطي، جلد: ٦، وفات: ٩١١، رده: مصادر حديث سني -

فقه، خطی: خیر، چاپ: الأولى، سال چاپ: ١٤١٦ - ١٩٩٦ م، ج ٦، ص ٣٢٣، ح ٤

«محمد بن ادریس شافعی» هم در این مورد می‌نویسد:

### «وَلَيْلَةُ جُمُعٍ هِيَ لَيْلَةُ الْعِيدِ»

کتاب الأم، نویسنده: الإمام الشافعی، جلد: ۱، وفات: ۲۰۴، رده: فقه شافعی، خطی: خیر، چاپ: الثانية،

سال چاپ: ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ م، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ج ۱، ص ۲۶۴، باب العبادة ليلة

### العيدين

بالاخره چه شد؟! این آیه شب عرفه نازل شده است؟! روز عرفه نازل شده است یا شب عید نازل شده است؟! تزلزل در عبارت نشانگر این است که واقعیت ندارد و دروغی بیش نیست! ضرب المثلی هست که می‌گویند: انسان دروغگو کم حافظه است. ایشان تسلط ندارد که این آیه در چه زمانی نازل شده و قبلاً کجا را گفته بود. کار به جایی رسید که «سفیان ثوری» یکی از علمای بزرگ اهل سنت شک کرده است. در کتاب «صحیح مسلم» حدیث ۳۰۱۷ وارد شده است:

«قال سُفْيَانُ أَشْكَ كَان يَوْمَ جُمُعَةٍ أَمْ لَا يَغْنَى (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي)»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۴، ص ۲۳۱۲، ح ۳۰۱۷

این در جایی است که غذا به قدری شور شده که صدای آشپز هم درآمده است. ایشان شک می‌کند که آیا شب جمعه بوده است، روز جمعه بوده است، شب شنبه بوده است؟!

بعد از هزار و چهارصد سال این شخص ادعا می‌کند که این آیه در روز عرفه نازل شده است. خدا شما را در دنیا و آخرت با همین افراد محشور کند! ما بهتر از این نمی‌توانیم برایتان دعایی کنیم.

این آقا می‌گوید: "ما با روایات به جایی (اثبات ولایت امیرالمؤمنین) نمی‌رسیم"، بنده چند نکته خدمت عزیزان عرض می‌کنم. ما حدود سی روایت صحیح، حسن، موثق و معتبر از منابع شیعه از ائمه اطهار داریم که به صراحت فرموده‌اند آیه اکمال دین روز هجدهم ذی الحجه روز عید غدیر نازل شده است. مشاهده کنید در کتاب «کمال الدین» اثر «شیخ صدوق» وارد شده است که امیرالمؤمنین در زمان عثمان در جمع دویست نفره از اصحاب در مسجد النبی نشسته بودند. هرکدام از صحابه از فضائل و مناقب خود می‌گویند، تا جایی که وارد شده است:

«وَفِي الْخَلْقَةِ أَكْثَرُ مِنْ مِائَتِي رَجُلٌ»

امیرالمؤمنین در این جمع صحبت نمی‌فرمود. اصحاب به ایشان عرضه داشتند: یا علی! چرا حرف نمی‌زنید؟ حضرت شروع به احتجاج کردن فرمود. لازم به ذکر است که احتجاج بالاتر از سنت و سیره است. حضرت امیرالمؤمنین در رابطه با نصب خود می‌فرماید:

«فَتَصَبَّنِي لِلنَّاسِ بِغَيْرِ حَمٍّ»

حال این شخص ادعا می‌کند که ما روایتی نداریم که پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین را نصب کرده باشد! رسول اکرم، حضرت علی را پیشنهاد کرد، اما رأی نیاورد!

طبق ادعای دشمنان این قضیه همانند انتخاباتی است که ما داریم. گاهی اوقات جامعه مدرسین یا مقام معظم رهبری کسی را پیشنهاد می‌دهند، اما رأی نمی‌آورد. این هم مُد و پروژه جدیدی است!

این شخص ادعا می‌کند که ما سه نوع امامت داریم؛ امامت انتصابی، امامت انتخابی و امامت پیشنهادی. دو مورد اول باطل است و مورد سوم که من می‌گویم امامت پیشنهادی درست است!

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) امیرالمؤمنین را پیشنهاد کردند، اما حضرت رأی نیاورد. او ادعا می‌کند روایتی هم نداریم که کلمه «نصب» در آن آمده باشد!

بنده نشستم و تمام روایاتی که کلمه «نصب علیا» در آن آمده باشد یا از قول امیرالمؤمنین «نصبی» آمده بود را جستجو کردم. شاید بیش از بیست روایت صحیح در کتاب «کافی»، «کمال الدین»، «غیبة النعمانی» و دیگر کتب یافتم که واژه «نصب» در آن آمده است. ائمه اطهار (علیهم السلام) هزار و چهارصد سال قبل واژه‌هایی را به کار بردند که انسان با این شبهات مبارزه کند.

شبهات منحرفین درون شیعی، وهابیت یا طرفداران «احمد الحسن» شبهاتی است که انسان احساس می‌کند ائمه اطهار هزار و چهارصد سال قبل امروز ما را می‌دیدند و برای آنکه قضیه روشن شود واژگانی به کار برده‌اند که امروز برایمان کاربردی است.

**«فَتَصَبَّيْنِي لِلنَّاسِ بِغَدِيرِ خُمٍ»**

پیغمبر اکرم مرا در غدیر خم منصوب کرد.

تا جایی که حضرت می‌فرماید:

**«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ»**

حضرت سپس می‌فرماید:

**«فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»**

حضرت از این واضح‌تر بیان کنند؟ احتجاج و استدلال و استناد امیرالمؤمنین برای حقانیت خود به آیه سوم سوره مبارکه مائده است. حضرت بحث‌های دیگری در این زمینه دارند و می‌فرمایند:



«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُنْصِبَ لَكُمْ إِمَامَكُمْ وَ الْقَائِمَ فِيكُمْ بَعْدِي وَ وَصِيَّ وَ خَلِيفَتِي»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱،

ص ۲۷۴ - ۲۷۷، ح ۲۵

شما به دنبال چه چیزی هستید؟ اگر به دنبال حقیقت هستید، با این تعبیر «أُنْصِبَ لَكُمْ إِمَامَكُمْ وَ الْقَائِمَ فِيكُمْ بَعْدِي وَ وَصِيَّ وَ خَلِيفَتِي» باید حقیقت را پیدا کنید.

سند روایت هم صددرصد صحیح است و تمام راویان روایت ثقة هستند. امام باقر (علیه السلام) به این روایت استناد می‌کنند. دقت داشته باشید روایت نیست، بلکه استناد و احتجاج است.

مشاهده کنید امام باقر هزار و چهارصد سال قبل این سه آیه را آورده و به آن‌ها استناد کرده است. حضرت می‌فرماید:

«أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولَهُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ»

طبق این روایت امیرالمؤمنین منصوب پیغمبر اکرم نیست، بلکه منصوب خداوند عالم است. پیغمبر اکرم ابلاغ فرموده است:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آن‌ها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

سپس می‌فرماید:

«فَقَامَ بَوْلَايَةِ عَلِيٍّ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً»

در ادامه می‌فرماید:

«وَكَانَتْ الْوَلَايَةُ آخِرَ الْقَرَائِضِ»

آخرین فریضه‌ای که خداوند بر پیغمبر اکرم واجب کرد، ولایت امیرالمؤمنین است.

«فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۲۸۹، ح ۴

روایت صدرصد صحیح است. «نجاشی» می‌گوید که «علی بن ابراهیم» ثقه است، «ابراهیم بن هاشم»، «محمد بن ابی عمیر» و «عمر بن محمد بن ابی عمیر» ثقه هستند. تمام راویان این روایت ثقه هستند. «علامه مجلسی» در کتاب «مرآة العقول» می‌نویسد: حدیث «حسن» است. البته قدمای ما وقتی عبارتی از «ابراهیم بن هاشم» می‌آمد، می‌گفتند: «حسنه» است. گفتنی است در احتجاج حدیث «حسن» و «صحیح» از نظر

اعتبار هیچ فرقی ندارند. فقط در تعارض است که اگر دو روایت با همدیگر متعارض بودند، «خذ بما رواه أعدلهما» یا «خذ بما رواه أوثقهما». قطعاً روایت حسن از درجه اعتبار می‌افتد و روایت صحیح جایگزین آن می‌شود. یکی از مرجحات سندیه همین قضیه «أعدلهما» یا «أوثقهما» است.

بازهم در کتاب «تفسیر قمی» که به تعبیر آیت الله العظمی خوئی تمام راویان این کتاب ثقه هستند، وارد شده است:

«آخِرُ فَرِيضَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ الْوَلَايَةَ»

آخرین واجبی که خداوند عالم بر پیغمبر اکرم نازل کرد، ولایت علی بن ابی طالب است.

«ثُمَّ أَنْزَلَ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» بِكَرَاعِ الْعَنْمِ»

تفسیر قمی، نویسنده: قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ج ۱، ص ۱۶۲،

باب ۵ سورة المائدة مدنية و هي مائة و عشرون آية ۱۲۰

«بِكَرَاعِ الْعَنْمِ» منطقه‌ای است که غدیر خم در آنجا واقع شده است. به عنوان مثال شما می‌گویید که قضیه در قم اتفاق افتاده است. حال زمانی که قضیه در کهک اتفاق افتاده است. به عنوان مثال راوی گفت که در منطقه قم چنین اتفاقی افتاده است، به این معناست که تمام استان قم را فرا می‌گیرد.

بازهم از «ابو سعید خدری» روایتی در این زمینه نقل شده است. «طبری» شیعی معاصر «کلینی» این روایت را بیان کرده است. «ابن مردویه»، عالم سنی می‌گوید: آیه (أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) در روز عید غدیر خم نازل شده است. غیرت «ابوهریره» از این آخوند مزدور و منحرف بالاتر بوده است! «ابوهریره» می‌گوید: زمانی که پیغمبر اکرم در روز غدیر خم علی بن ابی طالب را نصب کرد، عمر بن خطاب تبریک گفت؛

«فَأَنْزَلَ اللَّهُ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)»

مناقب علی بن ابی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع)، نویسنده: أحمد بن موسی ابن مردویه  
الأصفهانی، وفات: ۴۱۰، تحقیق: جمعه ورتبه و قدم له: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، چاپ: الثانية،

سال چاپ: ۱۴۲۴ - ۱۳۸۲ ش، چاپخانه: دار الحدیث، ناشر: دار الحدیث، ص ۲۳۱، ح ۳۳۱

بنابراین آقایانی که این بساط را به راه انداختند و این مسائل را مطرح می‌کنند اگر مرد هستند، بیایند با ما  
مناظره کنند. ما برای مناظره آماده هستیم. من به ایشان پیام دادم و به گوش ایشان هم رسیده است. بنده  
حاضرم در حوزه علمیه اصفهان با حضور اساتید، طلاب و پیروان این آقا با هم بحث کنیم. اگر واقعاً حرف راست  
می‌گویید، «نحن ابناء الدلیل»! اگر ثابت شده حرف بی‌اساس می‌زند یا باید دست بردارد و یا اگر دست بردارد  
مردم چنین افرادی را سر جای خودشان خواهند نشاند. مردم اجازه نخواهند داد که فردی در لباس سربازی  
حضرت ولی عصر به نام روحانی چنین چوب حراج به عقاید شیعه بزند!

ما به اندازه کافی دشمن داریم. وهابیت، اهل سنت افراطی و «احمد بصری‌ها» را داریم. توقع نداریم که  
جانورانی این چنین از حوزه‌های علمیه برخیزند و عقاید شیعه را اینطور متزلزل کنند.

اگر بی‌سواد هستی و خبر نداری، این اطلاعات را بگیر. حال اگر در مدارکی که ما می‌دهیم اشکالی داری، «نحن  
ابناء الدلیل»!

اگر اشکالی ندارید قبول کنید، اما اگر عناد و لجاجت دارید، اهل بیت تکلیف ما را با آدم لجوج و معاند روشن  
کرده‌اند و قانون هم این قضیه را روشن کرده است.

این بحثی بود که ما جلسه گذشته آغاز کرده بودیم و ناتمام مانده بود. من خواستم برای تکمیل شدن قضیه این  
مطالب را بیان کنم. البته قضیه بسیار عمیق‌تر از این حرف‌هاست. شبهاتی که او در کتاب صد صفحه‌ای بیان  
کرده است، خود به هفت - هشت جلسه توضیح نیاز دارد.

این شبهات بحث‌هایی است که انسان واقعاً به آن می‌خندد. حرفی که خلیفه دوم بیش از هزار و چهارصد سال قبل نقل کرده است، این شخص امروز به عنوان یک روشنفکر تحت عنوان "نگاه جدید به سه آیه ولایت امیرالمؤمنین" همان حرف باطل خلیفه دوم را مطرح می‌کند.

اجازه بدهید چند دعا کنیم. زیرا قطعاً جلساتی که از امیرالمؤمنین سخن گفته می‌شود مورد عنایت ویژه حضرت ولی عصر است. یقین بدانید حضرت ولی عصر به دعا‌های شما هم آمین خواهند گفت.

روایتی هست که اهل سنت آن را نقل کردند. یک شاگرد امام صادق و مدافع حضرت در حال احتضار بودند. علمای بزرگ طائف به عیادت او آمدند. حرف‌های زیادی زده شد. مشاهده کردند که به گریه افتاد و به حالت سجده درآمد. او آنچنان گریه می‌کرد که اشک چشمش جاری بود و این جمله را تکرار می‌کرد:

«اللهم انی استلک بحق الشیخ علی بن ابی طالب»

اطرافیان نقل می‌کنند: مشاهده کردیم که ساکت شد و با خود گفتیم که شاید گریه کرده و خسته شده است. بعد از گذشت چند دقیقه صبر کردیم، او را حرکت دادیم و مشاهده کردیم که جان به جان آفرین تسلیم کرده است.

خوشا آنان که با ولای علی از زندگی دنیایی خداحافظی می‌کنند.

خدایا تو را به ولای علی سوگند می‌دهیم ما را در دنیا و آخرت از علی و فرزندانش جدا مکن. خدایا تو را به ولای علی سوگند می‌دهیم فرج مولای ما حضرت ولی عصر را نزدیک بگردان.

خدایا ما را از یاران خاص، سربازان فداکار و شهدای رکاب حضرت ولی عصر قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما. خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن به ویژه مراجع عظام تقلید و مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

خدایا به ولای علی سوگند می‌دهیم خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار. خدایا شر دنیا و آخرت را از ما دور بگردان. خدایا رفع گرفتاری از جمیع گرفتاران بنما. خدایا به ولای علی سوگند می‌دهیم حوائج همگان به ویژه حوائج جمع ما را برآورده نما. خدایا دعاهاى ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهدا، صدیقین، صالحین، بالأخص امام راحل صلوات.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته